



نقد اقتصاد سیاسی - نقد بتواریگی - نقد ایدئولوژی

<https://naghd.com>

کرونا، بحران و پایان نئولیبرالیسم آلفردو سادفیلو

ترجمه‌ی: محمد غزنویان



خرداد ۱۳۹۹

ناگاه، خود را در جهانی دیگرگونه می‌یابیم؛ خیابان‌های خالی و فروشگاه‌های تعطیل، آسمانی که به طرز نامتعارفی صاف است و شمار مردگانی که بالا می‌رود. چیزی بی‌سابقه در مقابل چشمان مان رخ می‌نماید. از همه‌جا خبرهایی نگران‌کننده از اوضاع اقتصادی به گوش می‌رسد: پاندمی کووید-۱۹ حادث‌ترین و عمیق‌ترین انقباض اقتصادی در تاریخ سرمایه‌داری را رقم زده است. در *مانیفست کمونیست* آمده است: «هر آن‌چه سخت و استوار است، دود می‌شود و هوا می‌رود»؛ اکنون جهانی‌سازی است که واژگون شده: زنجیره‌ی گسترده‌ی عرضه که پیش‌تر یگانه راه «عقلانی» سازماندهی تولید بود، درهم شکسته و مقررات سفت و سخت مرزی بازگشته است؛ داد و ستد عمیقاً کاهش یافته و سفرهای بین‌المللی به شدت محدود شده‌اند، طی چند روز ده‌ها میلیون کارگر بی‌کار شده و میلیون‌ها کسب‌وکار کارکنان، مشتریان، کارپردازان و منابع اعتباری خود را از دست داده‌اند.[۱]

برخی اقتصادها انتظار دارند که انقباض در تولید ناخالص داخلی دو برابر شود و صف طویلی از بخش‌های گوناگون برای دریافت کمک‌های دولتی تشکیل شوند. فقط در بریتانیا بانک‌ها، خطوط راه‌آهن، خطوط هوایی، فرودگاه‌ها، بخش گردشگری، خیریه‌ها، بخش سرگرمی و دانشگاه‌ها در آستانه‌ی ورشکستگی هستند، بگذریم از کارگران جاکن‌شده و خویش‌فرمایان (به شکل صوری) که دار و ندارشان را در پی شوک اقتصادی از دست داده‌اند و آثار آن هنوز آن‌طور که باید کاملاً احساس نمی‌شود.[۲]

کینزیسم نیم‌بند

پیامدهای سیاسی هنوز آشکار نشده‌اند. از نقطه‌نظر ایدئولوژیک، گفتمان‌های نئولیبرالی درباره‌ی ضرورت «ریاضت مالی» و محدودسازی مداخله‌ی دولت در عرصه‌ی عمومی ناپدید شده‌اند. اتریشی‌ها و نئولیبرال‌های بنیادگرا از هر طیف و قماش‌ی به کینزیسم نیم‌بند پناه برده‌اند، چنان‌که هرگاه اقتصاد با بحران مواجه می‌شود چنین می‌کنند؛ لازم که باشد، نخستین کسانی‌اند که به خزانه‌ی فراخ دولت چنگ می‌اندازند و دولت را برای عدم‌دخالش به باد انتقاد می‌گیرند. بخش خصوصی و رسانه‌ها خواستار بودجه‌های دولتی می‌شوند و واعظان شوم «بازار آزاد» با حضور سراسیمه در برنامه‌های تلویزیونی، بودجه‌های نامحدود دولتی برای نجات طرح‌های خصوصی را مطالبه می‌کنند. بی‌تردید، به محض آن‌که شرایط به حالت سابق بازگردد و خطرات دوران بحران کم‌رنگ شود، آن‌ها نیز به همان نسخه‌های پیشین بازمی‌گردند. آن‌زمان است که دولت مجدداً به بازیگر «بد» بدل می‌شود و خدمات عمومی دوباره با حمله‌های غارت‌گرانه‌ی آن‌ها مواجه می‌شود. نئولیبرالیسم خود را محروم از ایدئولوگ‌هایش یافته است، و در همان حال گروه‌های جنبی خشمگین و مخالف واکسیناسیون، معتقدان به تخت‌بودن زمین و متعصبان مذهبی کارشان به انکار خود پاندمی رسیده و آن‌را ناشی از گناهان فردی دانسته‌اند[۳]، و در پی معجزات شفابخش با کمک داروهای عجیب و غریب افتاده‌اند، یا همراه با رئیس‌جمهور برزیل، ژائیر بولسونارو، به دعا و روزه متوسل شده‌اند.[۴] خدایا از ما مراقبت کن [اشاره به توثیت دونالد ترامپ در روزهای نخست اوج‌گیری کرونا در آمریکا].

خود پاندمی به شکل تعجب‌آوری چندان غیرمترقبه نبود. استراتژیست‌های نظامی و غیرنظامی دهه‌های
متمادی سناریوهای گوناگونی را برای شرایطی مشابه در نظر گرفته بودند، خاصه تجربیات حاصل از همه‌گیری
اچ‌آی‌وی در دهه‌ی ۱۹۸۰، سارس در سال ۲۰۰۳، و اخیراً ابولا و دیگر امراض نوظهور. [۵] احتمال ظهور
گونه‌ای تازه از آنفولانزا از بازار حیوانات در جنوب چین، به‌خوبی شناخته‌شده بود. [۶] از همین‌رو بحران سلامت
و اقتصاد عمومی نه ناشی از ناتوانی در برنامه‌ریزی بلکه به‌روشنی بازتاب انتخاب‌های سیاسی، مضمحل‌شدن
ظرفیت‌های دولت، شکست‌های حیرت‌انگیز اجرایی و شوک حاصل از دست‌کم گرفتن تهدید است. شکستی که
بی‌شک باید به اعتبار و اشتهار آنها پایان دهد و رهبران به‌مثابه قسمتی اصلی از یک محاسبه‌ی دست‌گامند
دچار چرخش و تغییر اساسی شوند. [۷]. چین در اوایل سال ۲۰۲۰ برای آمادگی جهان در مقابل این اپیدمی چند
هفته زمان خرید و نمونه‌هایی از راهکارهای مقابله با آن را ارائه داد. سایر دولت‌های آسیای شرقی بدیل‌های
سیاسی (کمابیش تحمیلی) دیگری را ارائه کردند که به‌ویژه در سنگاپور، کره‌ی جنوبی، تایوان و ویتنام عملکرد
بسیار موفق‌تری داشتند. در همین‌حال غرب ناشیانه عمل کرد، آنها با مشکلی رو در رو شدند که این‌مرتبه با
تحریم، محاصره و بمباران کشورهای دوردست رفع و رجوع نمی‌شد. ثروتمندترین حکومت‌های جهان
نمی‌دانستند چه باید کنند. جای شگفتی نیست که دولت‌های آمریکا و بریتانیا به بدترین شکل ممکن بحران را
از سر گذراندند، و اتحادیه‌ی اروپا، بار دیگر، درست زمانی که به وجودش نیازی بود، حضوری درمانده و
نومیدکننده داشت. [۸]

گرچه وسعت انفجار چندین اقتصاد محوری در میان پیشرفته‌ترین کشورهای غربی بی‌سابقه بوده و عواقب
طولانی‌مدت برای عملکرد سرمایه‌داری در راه است، اما کووید - ۱۹ با یک اقتصاد جهانی کاملاً پررونق مواجه
نشد. جهان در آغاز ۲۰۲۰ پیشاپیش در رکودی بزرگ گرفتار بود که خود تالی بحران مالی ۲۰۰۷ بود. حتی
آمریکا به‌عنوان نمونه‌ی اعلا‌ی اقتصاد غربی رشد بسیار کندی را تجربه می‌کرد. این به‌معنای کوچک شمردن
عظمت توفان نیست، چرا که هر اقتصادی در مقابل قدرت آن درهم می‌شکست؛ با این‌وجود، هنگامی که
کووید-۱۹ با کشورهای متزلزل روبرو شد، در یک آن، شکنندگی‌شان را عیان کرد.

پاندمی ضربه‌ای بود به چهاردهه تهاجم نئولیبرالیسم به تمام ظرفیت‌های دولت با اسم رمز «کارایی برتر»
بازار، ترویج کوچک‌سازی صنعت از طریق جهانی‌سازی تولید و ایجاد ساختارهای شکننده‌ی مالی که فقط
مبتنی بر ضمانت‌های دولتی بودند، در یک کلام سودآوری. فروپاشی اقتصاد جهانی، سازش‌ناپذیرترین
اقتصادهای نئولیبرال را تنها گذاشت، به‌ویژه بریتانیا و ایالات متحده که آشکار شد حتی توانایی لازم را برای
تولید ماسک و لوازم محافظت از پرسنل بخش بهداشت و درمان خود را ندارند. در همین‌زمان، ارائه‌ی خدمات
تغییرات خارق‌العاده‌ای کرد، کار آنلاین ظرف چند روز در گوشه گوشه‌ی جهان به‌هنگار بدل شد، به‌جای آن‌که
رواج چنین گذاری سال‌ها به‌درازا بکشد، در همان حال پرستش نئولیبرالی مصرف به مشاجرات فصاحت‌بار
برای خرید مایع ضدعفونی‌کننده، پاستا و تن ماهی و دعوا بر سر دستمال توالی بدل شد.

نئولیبرالیسم به سرعت نشان داد طبلی توخالی است و نظام درمان را در چندین کشور تکه تکه و خصوصی کرده است، در حالی که طبقه‌ی کارگری بی‌ثبات و تحلیل‌رفته خلق کرده که هم در مقابل وقفه در کسب درآمد بسیار آسیب‌پذیر است و هم به علت پس‌انداز ناچیز، مسکن نامناسب، تغذیه‌ی ناکافی و الگوهای شغلی ناسازگار با روش زندگی سالم در هراس سلامتی‌اش بسر می‌برد.[۹] در عین حال زوال چپ سوسیال‌دموکرات، طبقه‌ی کارگر را از حیث سیاسی بی‌دفاع کرده است. این فرایندها در بلوای ناخوشایند بر سر تولیدات (دولتی) چین، که آمریکا در برابر آن هم‌چون قلدری کم‌خرد رفتار کرد، اوج گرفتند؛ دزدیدن ماسک، دستگاه‌های تنفس مصنوعی که خود قادر به تولید یا خرید آن نیستند، و توهین به کشورهای ضعیف‌تر با هدف از عرصه خارج کردن‌شان.[۱۰]

در وهله‌ی نخست ممکن است دست‌اندازی انسان بر طبیعت باعث ایجاد مشکل باشد[۱۱]، اما شکی نیست که اضمحلال مالکیت جمعی تحت نئولیبرالیسم آثار پاندمی را تشدید کرده است. نئولیبرالیسم به شکل نمادینی زندگی انسان را به‌حدی بی‌ارزش کرده که فرصت‌های ارزشمندی در چندین کشور — به‌ویژه کشورهایی که قوه‌ی مجریه‌ی راست‌گرا با عقاید انعطاف‌ناپذیر داشتند مانند ایالات متحد، بریتانیا و برزیل — با تقلای حکومت‌ها برای تحمیل «مصونیت گله‌ای» که لاجرم سالمندان، ضعفا و افراد با بیماری‌های زمینه‌ای (بدن‌های ضعیف) را از بین می‌برد (و احتمالاً بار مالی آن‌ها از بودجه کاسته می‌شود)، از دست رفت.[۱۲] تعطیلی اجباری، برعکس مصونیت گله‌ای نشان داده است که از تعداد تلفات می‌کاهد و نیز اثبات می‌کند که دولت‌ها می‌توانند نقشی سازنده در محافظت از زندگی ایفا کنند. در نهایت فشار افکار عمومی و شواهد موفقیت چین، دیگر کشورها را به قرنطینه‌سازی مجاب ساخت، گرچه این تصمیمات هم‌اکنون با موعظه‌های گوناگون و پیاده‌سازی نابسنده همواره در معرض تضعیف شدن قرار دارند. در این کشورها انجام تست کرونا محدود به‌نظر می‌رسد و کادر درمان از تجهیزات حفاظتی کافی برای مقابله با کرونا برخوردار نیست، رویکردی که می‌تواند هزاران نفر را به‌راحتی به کام مرگ بفرستند.[۱۳]

آشفتگی مدیریتی در بریتانیا با رهبری همواره غیرقابل اعتماد بوریس جانسون با دو زیان روبروست: از یک سو برآورد میزان تلفات و از دیگر سو اقتصاد رو به وخامت و احتمال کاهش تولید ناخالص داخلی. دولت تحت فشارهای حزب محافظه کار و صاحبان کسب و کار محلی حامی برگزیت[۱۴]، متخصصان پزشکی خود را برای توجیه حمایت از سود و ایده‌ی کوچک‌سازی دولت کاهش داد، ولی مواجهه با خشم افکار عمومی در اواسط ماه می باعث چرخش در سیاست‌های دولت شد، گرچه تا حد زیادی دیگر دیر شده بود. انتخاب‌های قبلی دولت مبنی بر تعویق مداخله، عدم آمادگی و ناسازگاری ذهنی، لاجرم انگلستان را به بدترین شرایط رهنمون شد: مردگان بی‌شمار[۱۵] و خسران اقتصادی تا بیلیون‌ها پوند.[۱۶]

آثار اجتماعی این پاندمی به‌سرعت ظاهر شد، برای مثال، از رهگذر به‌نمایش گذاشتن تفاوت توانایی‌های گروه‌های اجتماعی در حفاظت از خویش. به‌طور خلاصه، ابرثروتمندان به قایق‌های تفریحی‌شان عزیمت کردند

و ثروتمندان به ویلاهایشان نقل مکان فرمودند. طبقه‌ی متوسط مانند کودکان ذوق‌زده برای دورکاری سر و دست می‌شکست و تهیدستان که پیش‌تر هم از ضعف سلامت رنج می‌بردند، حال ناگزیر از دو انتخاب بودند: در خانه ماندن به‌قیمت از دست‌دادن تمام و کمال درآمد یا بیرون رفتن برای کار ولو به قیمت آلوده‌شدن به ویروس. بی‌نیاز از گفتن است که مشاغل پایه‌ای ولی کم‌درآمد مانند رانندگان اتوبوس، پرستاران، کارگران بخش بهداشت و خدمات، باربران، مغازه‌داران، کارگران ساختمانی و حمل و نقل و غیره مشغول جان‌کندن هستند، در حالی که خانواده‌ی‌شان در مسکنی به‌سان زندان محبوس شده‌اند. از همین‌رو تعجب‌آور نخواهد بود اگر تهیدستان در آمارهای مردگان جایگاه بالاتری را به‌خود اختصاص دهند. [۱۷]

برخی حکومت‌ها در پاسخ به این شوک، در اجرای نسخه‌های سیاست اقتصادی تجدیدنظر کردند، اما این سیاست کفایت نخواهد کرد، چراکه ما با یک فروپاشی اقتصادی جامع روبرو هستیم که بزرگتر خواهد شد و عملیات نجات، سخت‌تر از هر زمان دیگری خواهد بود. [۱۸] بانک‌های مرکزی به شکلی بی‌سابقه تزریق پول به شرکت‌های بزرگ را آغاز کرده‌اند: آن‌ها اساساً تحویل‌دهنده‌ی پول به کمپانی‌های برگزیده هستند. (حتی گاهی این پول‌ها به‌سرعت به‌عنوان سود سهام واگذار شد). [۱۹] دولت‌ها برای پنهان کردن سیمای کریه بلیونرها، فرارهای مالیاتی، گدایی یارانه از همان بازاری که پیش‌تر مالیاتش را نداده بودند، وعده کرده‌اند که از مالیات کارگران محافظت کنند اما ترجیحاً از طریق حمایت از کارفرمایان‌شان! حکومت در ایالات متحد قصد دارد مبلغی ناچیز به همه‌ی خانوارها ارسال کند تا اعانه‌های سرسام‌آوری را که پیشکش سرمایه می‌شود پنهان سازد؛ اعانه‌هایی که با رقم بی‌سابقه‌ی دو تریلیون دلار آمریکا آغاز شد و تا زمان استمرار وضعیت فعلی (تعطیلی) و به تبع آن صدمه‌پذیر بودن سودها، افزایش پله‌کانی خواهد یافت تا این‌که زمان انتخابات ریاست جمهوری فرا برسد.

چنان‌چه پیامدهای اقتصادی این پاندمی فاجعه‌بار شود، پیامدهای سیاسی به‌سهولت قابل پیش‌بینی نیستند. پاندمی در بریتانیا سیاست‌های حزب محافظه‌کار را در حمله به پویایی جامعه آشکار کرد. حتی زمانی که برای خدمات درمانی هزینه می‌کردند، هدف سازماندهی و خرد کردن، رقابت بدون توجه به هزینه، برون‌سپاری و خصوصی‌سازی و وابسته کردن نظام بهداشت و درمان، فقط بر منطق سود استوار بود. [۲۰]

با پاندمی، مواظبت محافظه‌کارانه درباره‌ی ضرورت ریاضت اقتصادی با توانایی آشکار دولت برای خلق پول از هیچ و رستگار کردن بخش‌های منتخب (مادامی که این بخش‌ها «اساسی» به نظر می‌رسند که متعاقباً شامل مسکن، بهداشت و اشتغال نمی‌شود) فراموش شد. در همین زمان کاشف به عمل آمد که ایدئولوژی فردگرایی چیزی نیست مگر یک شیادی، زیرا اگرچه یک فرد به‌تنهایی می‌تواند از ویروس بگریزد ولی فاجعه هیچ راه‌حل فردی ندارد؛ یک فرد به‌تنهایی از شر پاندمی در امان نخواهد بود یا به‌هنگام بیماری نمی‌تواند از خود مراقبت کند و چه کسی قادر است بحران اقتصاد در حال زوال و فروپاشی را مهار کند، یا جریان درآمد را در یک اقتصاد ورشکسته و از کار افتاده نجات دهد، قرنطینه را الزامی و خدمات بهداشتی و درمانی را تجهیز کند. همان‌طور که

چپ همواره تاکید کرده نخست‌وزیر انگلستان نیز مجبور به تصدیق شد که چیزی به نام جامعه وجود دارد. [۲۱] منفعت‌طلبی غیرانسانی سرمایه‌داری از طریق طرد یک‌پارچه‌ی سیاست‌های موردنظرشان در «مصونیت گله‌ای» و نابودی متعاقب جمعیت بیکاران، بیش از پیش نمایان و رسوا شد.

چپ

حال می‌توانیم بر آن چه چپ می‌تواند و باید پای بفشارد، متمرکز شویم. اول باید درس بگیریم. بحران سرمایه‌داری و افتضاح سلامت غرب در مسابقه با واکنش‌های متفاوت در شرق، نشان داده است که سیاست نئولیبرالیسم‌ها را قادر به حل‌وفصل پایه‌ای‌ترین وظایف حکومتی نیست؛ حفاظت از زیستن و تامین وسایل زندگی. پاندمی هم‌چنین حامل نشانه‌هایی از انتقال قدرت از غرب به شرق است. این چیزی است که می‌بینیم و نمی‌توان فراموش کرد که دولت‌های لایق و متمرکز، حال کمتر یا بیش‌تر دموکراتیک (بر حسب تجربه می‌توان تأیید کرد که رژیم سیاسی و صلاحیت سیاسی را نباید یکی گرفت) و صنعت پیشرفته بنیان اصلی زندگی مردم نیست چراکه هنگامی که سیستم درست کار نمی‌کند، مرزها بسته و دوستی‌ها ناپدید می‌شوند.

دوم، ضرورت تامین امنیت زندگی است. دولت‌ها باید شغل، درآمد، نیازهای اساسی، از جمله گسترش سریع نظام سلامت را تامین کنند. این نه تنها یک سیاست اقتصادی بلکه بخشی از سیاست درمانی کارآمد است. تضمین شغل و دستمزد، امکان در خانه ماندن تعداد هرچه بیش‌تری از مردم را مهیا می‌کند که خود چابکی بیش‌تر نظام درمان را در پی خواهد داشت، پایان سریع پاندمی را نوید می‌دهد و بهبود را سرعت می‌بخشد. [۲۲] نظام بانکی برای تحقق این امر باید ملی شود، برای تامین امن اعتبارات و جلوگیری از سوداگری، باید اطمینان یافت که پول کافی برای حفاظت از اقتصاد وجود دارد. خدمات کلیدی باید به‌دست گرفته شوند و اگر بناست که ده‌ها بیلیون دلار به خطوط هوایی، راه‌آهن و زنجیره‌ی سوپر مارکت‌ها تزریق شود، پس مردم نیز باید در آن شریک باشند. [۲۳]

سوم: تحکیم بازکشف مشارکت اجتماعی و تحقیر نکردن اتحاد نوع بشر که از بطن بحران متبلور شده است. چپ باید تاکید کند که اقتصاد امری اجتماعی است («ما اقتصاد هستیم»)، ما به‌عنوان انسان به‌هم پیوسته‌ایم و خدمات اجتماعی امری بنیادین است. این سیاست می‌تواند راهی مترقی به‌عنوان بدیل نئولیبرالیسم (که اکنون شکلی آشکارا زامبی‌وار گرفته است) باشد.

چهار: تخصیص هزینه‌ها. فشار اقتصادی بحران بیش از پیش‌بینی‌ها خواهد بود و بی‌شک خدمات اجتماعی می‌توانند یا می‌بایست این بار را به‌دوش بگیرند. یگانه راه نجات عبارت است از مالیات‌بندی مترقی، ملی‌سازی، و اقتصاد و توسعه‌ی سبز.

پنج، به‌ویژه در انگلستان، سیاست زیر می‌بایست موضع حزب کارگر و، به شکل گسترده، دیگر احزاب و سازمان‌های ترقی‌خواه و پیشرو در هر جایی باشد: اتحاد با دولت در این دوره‌ی بحرانی («زهرزدایی» از حزب

پسا کوربین و هموار کردن راه برای بازگشت به دولت [۲۴]، یا انتقاد از دولت محافظه کار و به جان خریدن این خطر که وطن پرست به نظر نرسیم؟ حقیقت امر این است که دولت محافظه کار سیاست‌های نادرستی را انتخاب کرد و به شکل ناشایستی به اجرا در آورد، و ده‌ها هزار نفر در نتیجه مستقیم این ناکارآمدی می‌میرند (دولت‌های اسکاتلند و ولز عمل کرد بهتر اما ناکافی داشته‌اند). از منظر اعتبار حزب کارگر واجب است که این حزب آلوده‌ی این‌گونه سیاست‌ورزی‌ها نشود، یا در مسئولیت تلفات اجتناب‌ناپذیر سهیم نباشد. این امر باعث سرگستگی و طرد طیف بزرگی از جمعیت می‌شود که به وضوح به ارتکاب اشتباه از جانب دولت واقف‌اند و خواستار مشاهده‌ی پیامد این تصمیمات هستند. در عوض، تمرکز چپ باید بر ایجاد همبستگی، پاسخ‌گو نگاه‌داشتن دولت، نقد مستمر از محافظه‌کاران برای سیاست‌های جنایت‌کارانه و بی‌کفایتی‌های اجرایی‌شان، گسترش مرزهای سیاسی ممکن، به چالش کشیدن نئولیبرالیسم به‌عنوان امری مهلک و در عین حال حمایت از شبکه‌های ایمن تحت هدایت دولت و نوسازی موجودیت دولت پس از فروپاشی نئولیبرالیسم باشد. در این میان و در پاسخ، بحث‌هایی صورت گرفته است مبنی بر این که در طول جنگ جهانی دوم حزب کارگر با حزب محافظه کار وارد ائتلاف شد. چرا اکنون نباید وحدت کنیم؟ بی‌شک صحیح است که در آن زمان دولت ملی وجود داشت، اما آن ائتلافی در قالب کابینه‌ی جنگی وینستون چرچیل بود، نه اتحادی با دولت خائن نوئل چمبرلین که حزب کارگر به درستی از حمایت و پشتیبانی آن اجتناب ورزید.

من خوشبین هستم، هرچند با احتیاط، که سرمایه‌داری قادر به پاک کردن این لکه نیست. هم اکنون زمان آن فرارسیده تا به بازاندیشی این موضوع بپردازیم که چه نوع جامعه‌ای در خدمت اکثریت خواهد بود و از تکرار تبعات فاجعه‌باری که هم اکنون در حال تجربه هستیم فاصله‌ی معناداری خواهد داشت. به‌جای جنایات و ناکارآمدی‌های نئولیبرالیسم، به سیستم و برنامه‌ی مالیاتی مترقی، گسترش خدمات عمومی با ظرفیت بالا برای موارد اضطراری و جامعه‌ای مبتنی بر همبستگی، ارزش‌های انسانی و احترام به طبیعت نیازمند خواهیم بود. البته بیان چنین سخنانی آسان است و بی‌تردید درست است که چپ دهه‌هاست عمدتاً در موضع تدافعی قرار گرفته و اگر در همین موضع تدافعی باقی بماند، پاندمی می‌تواند به اقتدارگرایی، نژادپرستی و ارتجاع منجر شود.

خلاصه این که پاندمی کووید-۱۹ اتفاق افتاد، گرچه غیرمنتظره نبود. عواقب آن موجب رسوایی است. آن‌ها تبهکار هستند و چپ باید این‌را با صدای بلند فریاد و واضح هم فریاد بزند. سرمایه‌داری نئولیبرال غیرانسانی و تبهکارانه بودن خود را به معرض نمایش گذاشته و کووید-۱۹ نشان داده که بدون همبستگی، سیاست صنعتی و توانمندی دولت، هرگونه سیاست بهداشتی هم امکان‌پذیر نیست.

این مبارزه‌ای جان‌کاه است. ما باید از دل بحران با جامعه‌ای بهتر خارج شویم. هرگز تا این حد به حضور چپ نیاز نبوده است و اکنون زمان به مصاف‌طلبیدن است.

* Alfredo Saad-Filho استاد اقتصاد سیاسی در گروه مطالعات توسعه، SOAS دانشگاه لندن است. علایق تحقیقاتی وی شامل اقتصاد سیاسی نئولیبرالیسم، سیاست‌های صنعتی، سیاست‌های آلترناتیو در اقتصاد کلان و نظریه‌ی ارزش کار و کاربردهای آن است.

* منبع:

مقاله‌ی حاضر با عنوان Coronavirus, crisis, and the end of neoliberalism در ۱۸ آوریل ۲۰۲۰ منتشر شده و در لینک زیر در دسترس است:

<https://mronline.org/2020/04/18/coronavirus-crisis-and-the-end-of-neoliberalism/>

یادداشت‌ها:

[۱] درباره‌ی چگونگی تأثیر پاندمیک بر جریان جهانی سرمایه، مراجعه کنید به:

K. Moody “[How ‘Just in Time’ Capitalism Spread COVID-۱۹.](#)”

[۲] ر. ک. به:

<https://www.lrb.co.uk/the-paper/v42/n.8/adam-tooze/shockwave>

[۳] برای نمونه مشاهده کنید:

[https://www.france24.com/en/20200408-israel-health-minister-under-fire-over-ultra-orthodox-covid-۱۹-crisis](https://www.france24.com/en/20200408-israel-health-minister-under-fire-over-ultra-orthodox-covid-19-crisis) ، [https://www.bbc.co.uk/news/world-us-canada-۵۲۱۵۷۸۲۴](https://www.bbc.co.uk/news/world-us-canada-52157824)

<https://edition.cnn.com/2020/04/14/us/bishop-gerald-glenn-god-larger-coronavirus-dies/index.html>

[۴] T. Phillips and D. Phillips, “[Bolsonaro Dragging Brazil toward Coronavirus Calamity, Experts Fear.](#)”

The Argentine actor and director Ricardo Darín [put it succinctly](#),

بر اساس مقاله‌ای تحت عنوان «مقابله با همه‌گیری بلاهت، دشوار است».

[۵] مثلاً:

<https://www.counterpunch.org/2020/04/10/freedom-from-fear-john-pilger-discusses-coronavirus-propaganda-imperialism-and-human-rights/>

[۶] مثلاً:

<https://www.ncbi.nlm.nih.gov/pmc/articles/PMC۳۳۷۳۵۷/>

«ظهور بیماری های عفونی». ۱۷۷۳-۱۷۷۵, pp. ۲۰۰۶, (۱۱), ۱۲. چین مرکز امور بود، در کمتر کشوری چنین همگرایی در شهرنشینی، ادغام در زنجیره ارزش جهانی و دریافت هنجارهای نوین غذایی یافت می شود:

<https://vientosur.info/spip.php?article۱۵۷۲۷>

[۷] برای دریافت جزئیات بیشتر ر. ک. به:

<https://www.reuters.com/article/us-health-coronavirus-britain-path-speci-idUSKBN۲۱P۱VF>

[۸] برای مورد تصویب نشده ییروبانند، ر. ک. به:

<https://progressivepost.eu/spotlights/the-reconstruction-of-the-europeans-economy-after-the-corona-pandemic>

[۹] ر. ک. به

<https://socialistproject.ca/۲۰۲۰/۰۳/bioeconomic-pandemic-and-western-working-classes/>

[۱۰] مثلاً:

<https://www.npr.org/۲۰۲۰/۰۴/۰۴/۸۲۷۳۲۱۲۹۴/german-french-officials-accuse-u-s-of-diverting-supplies?t=۱۵۸۶۸۱۷۲۲۵۸۶۹> ،

<https://www.aa.com.tr/en/americas/us-steals-medical-supplies-amid-pandemic-expert/۱۸۰۰۰۰۱> ،

<https://www.npr.org/۲۰۲۰/۰۴/۰۴/۸۲۷۳۲۱۲۹۴/german-french-officials-accuse-u-s-of-diverting-supplies?t=۱۵۸۶۸۱۷۲۲۵۸۶۹>

[۱۱] مثلاً:

[B. Zahoor, “Health: Why New Viruses Continue to Spread,” and J. Vidal, “Human Impact on Wildlife to Blame for Spread of Viruses, Says Study.”](#)

[۱۲] ر. ک. به:

<https://thequarantimes.wordpress.com/۲۰۲۰/۰۳/۱۹/herd-immunity-is-epidemiological-neoliberalism/>

و همین طور بر اساس گزارش های رسانه ای آخر هفته، ر. ک. به:

<https://www.theguardian.com/politics/2020/mar/22/no-10-denies-claim-dominic-cummings-argued-to-let-old-people-die> ،

<https://www.jonathan-cook.net/blog/2020-03-24/coronavirus-terrified-us/>

[۱۳] مثال برگامو، در ایتالیا شایان توجه است. زیرا هزینه‌های حفظ سود به بهای زیان مردم را نشان می‌دهد.

<https://ctxt.es/es/20200401/Politica/31884/Alba-Sidera-Italia-coronavirus-lombardia-patronal-economia-muertes.htm>

[۱۴] و برای نمونه‌هایی خاص، ر. ک. به:

<https://www.yorkshireeveningpost.co.uk/read-this/wetherspoons-founder-tim-martin-has-told-staff-who-might-not-be-paid-during-lockdown-go-work-tesco-2516460>

[۱۵] «به‌طور خلاصه، تعداد مرگ‌های ناشی از بیماری کووید - ۱۹ که در انگلستان اعلام می‌شود، فقط عبارت است از تلفات درون بیمارستان‌ها و از اعلام رسمی تعداد مرگ و میرهای درون خانه‌های مراقبت قصور شده که یکی از مهمترین رسوایی‌های اروپا پس از جنگ به‌شمار می‌آید.»

<https://www.ft.com/content/c07e267b-7bca-418f-ad9e-8631a29884cb>

[۱۶] ر. ک. به:

<https://bylinetimes.com/2020/04/11/a-national-scandal-a-timeline-of-the-uk-governments-woeful-response-to-the-coronavirus-crisis/>

[۱۷] ر. ک. به:

<https://www.theatlantic.com/ideas/archive/2020/04/coronavirus-exposing-our-racial-divides/609826/>، N. Scheiber, N.D. Schwartz and T. Hsu,

“‘White Collar Quarantine’ Over Virus Spotlights Class Divide,” The New York Times, J. Valentino-DeVries, D. Lu and G. Dance, “[Location Data Says It All: Staying at Home During Coronavirus is a Luxury](#),” The New York Times, and S. Lerner, “[Coronavirus Numbers Reflect New York City’s Deep Economic Divide](#).”

[۱۸] J. Michell, “[Coronavirus Reveals the Cost of Austerity](#),” and M.

Sandbu, “[Huge Fiscal Spending is Needed to Fight the Coronavirus Downturn](#),” Financial Times.

[۱۹] Z. Wood, “[Tesco Defends £635m Dividend Payout after Coronavirus Tax Break](#).”

- [٢٠] C. Leys, [“How Market Reforms Made the NHS Vulnerable to Pandemics”](#); H. Siddique, [“Despite PM’s Praise of Nurses, It’s Tory Policies that Made them Suffer,”](#) and S. Wren-Lewis, [“Who Still Thinks Austerity Was a Good Idea?”](#) For the case of the USA, see S.B. Glasser, [“How Did the U.S. End Up with Nurses Wearing Garbage Bags?”](#)
- [٢١] R. Saunders, [“‘There is Such a Thing as Society’: Has Boris Johnson Repudiated Thatcherism?”](#)
- [٢٢] G. Mankiw, [“Thoughts on the Pandemic.”](#)
- [٢٣] D. Henwood, [“A Few Ambitious Points on Fighting the Crisis,”](#) and S. Gindin, [“The Coronavirus and the Crisis This Time.”](#)
- [٢٤] O. Salem, [“The PM Should Offer a National Unity Government—And Labour Should Accept.”](#)